سرمایه معنوی گیلان

مروری کوتاه برحیات علمی، معنوی و اجتماعی آیت‌الله محمدعلی امینیان گیلانی رحمة‌الله‌علیه

آیت‌الله شیخ محمدعلی امینیان لنگرودی رحمة‌الله‌علیه، از عالمان انقلابی، متعهّد و بابصیرت استان گیلان، در سال ۱۳۰۵ش در روستای «فتیده» واقع در ۷ کیلومتری شهرستان لنگرود و در میان خانواده‌ای متدیّن به دنیا آمد. پدرش، عبدالحسین، مردی مذهبی و خوش‌نام بود که سال‌ها به آموزش قرآن و احکام دینی می‌پرداخت و اغلب جلسات مذهبی روستا در منزل ایشان برگزار می‌شد. وی از طریق اجاره اندک محصولی که از زارعین خود می‌گرفت، امرار معاش می‌کرد. محمدعلی دوران کودکی در مکتب‌خانه جهت فراگیری قرآن و سپس در مدرسه‌ای واقع در چهار کیلومتری زادگاهش، مشغول به تحصیل شد.

• ورود به حوزه علمیه قم

محمدعلی در سن هجده سالگی، (سال ۱۳۲۳ش) وارد حوزه علمیه قم شد و ظرف مدت نه سال، مقدمات و سطوح متوسطه و عالیه را به پایان رسانید. خود درباره چگونگی ورودش به حوزه علمیه قم می‌نویسد: «در سال‌هایی که کشور عزیز ما دست‌خوش حوادث ناگوار بود؛ استکبار شرق قسمت‌هایی از کشورمان را با همراهی مزدوران وطن-فروش؛ یعنی توده‌ای‌ها و مارکسیست‌ها، زیر چکمه استبداد خود قرار داده بودند، در این شرایط به تحصیل دروس حوزوی و تلبّس به لباس روحانیت علاقه شدیدی پیدا کردم. خانواده‌ام که همگی مذهبی بودند، خصوصاً پدر و مادرم، از این اقدام و پیشنهاد من خوشحال شدند و استقبال کردند. فروردین سال ۱۳۲۳ش وارد حوزه علمیه قم شدم و به تحصیل دروس مقدماتی پرداختم. اوایل پاییز همان سال بود که آیت‌الله‌العظمی بروجردی رحمة‌الله‌علیه برای اداره حوزه علمیه قم به این شهر آمدند و اینجانب افتخار استقبال از ایشان را داشتم.»[۱]

• جدیّت و مباحثه

آیت‌الله امینیان تمام ابواب و فصول کتب درسی را از ابتدا تا انتها به‌دقت می‌خواند و با آیات: حاج شیخ محمد ایمانی لاهیجی[۲] و حاج شیخ محمدعلی فیض گیلانی مباحثه می کرد. وی در این‌باره می‌نویسد: «دروس حوزه را ما سه نفری مباحثه می‌کردیم. بنده و آیات ایمانی و فیض گیلانی؛ ولی مقید نبودیم که هر سه نفر در درس یک استاد شرکت کنیم؛ از این‌رو، اساتید ما گاهی متعدد و متفاوت بودند؛ ولی مباحثه‌مان با هم بود. دروس حوزه، از اول مقدمات تا پایان سطح؛ یعنی اتمام کفایتین را در طول نه سال به پایان رساندیم. ما متعهد شده بودیم تا دروس سطح به پایان نرسد، به درس خارج وارد نشویم. خوشبختانه اتمام کامل سطح مصادف شد با آغاز درس خارج فقه اول کتاب الطهاره آیت‌الله بروجردی رحمه‌الله که ما هم در آن درس شرکت کردیم.»[۳]

• اساتید دوره خارج فقه و اصول

برخی از اساتید ایشان عبارت بودند از حضرات آیات :

۱. سیدحسین طباطبایی بروجردی (متوفای ۱۳۸۰ق)؛
۲. سیدمرتضی مرتضوی لنگرودی (متوفای ۱۳۸۳ق)؛
۳. سید روح‌الله موسوی خمینی (متوفای ۱۴۰۹ق)؛
۴. سید محمدرضا موسوی گلپایگانی (متوفای ۱۴۱۴ق)؛
۵. سیدمحمد محقق داماد (متوفای ۱۳۸۸ق)؛
۶. میرزاهاشم آملی (متوفای ۱۴۱۳ق)؛
۷. سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (متوفای ۱۴۱۱ق)؛
۸. شیخ محمدتقی بهجت (متوفای ۱۴۳۰ق)؛
۹. سید محمدحسین طباطبایی (صاحب تفسیر المیزان)؛
۱۰. شیخ عبدالنبی اراکی (متوفای ۱۳۸۳ق)؛
۱۱. حاج‌آقا حسین فاطمی قمی (متوفای ۱۳۹۳ق)؛
۱۲. سیدابوالحسن رفیعی قزوینی (متوفای ۱۳۹۶ق)؛
۱۳. سید محمدهادی میلانی (متوفای ۱۳۹۵ق) که هر ساله تابستان در مشهد از درس‌های پرفایده آن فقیه عظیم‌الشأن بهره‌مند می‌شدند.[۴]

• شوق تحصیل علم

آیت‌الله محمدعلی فیض گیلانی، هم‌مباحثه و دوست ایشان، در مورد علاقه مرحوم امینیان به تحصیل علم می‌گوید:

ما برخلاف آنچه در حوزه‌های علمیه معمول و مرسوم بود، عمل می‌کردیم؛ یعنی ما بسیاری از فصول، بعضی از کتاب‌ها را که جزو برنامه درسی حوزه نبود، خوانده و با هم مباحثه کردیم. مثلاً کتاب «قوانین» میرزای قمی، از برنامه درسی خارج شده بود؛ اما ما آن را مطالعه کردیم. یا قسمت زیادی از کتب و ابواب شرح لمعه را که بیش از ۵۰ کتاب است، سابقاً طلبه‌ها نمی‌خواندند؛ ولی ما از اول طهارت تا آخر کتاب دیات را با دقت خوانده و مباحثه کردیم... بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار حکومت دینی، فواید این کتاب‌ها، خصوصاً در امور مهمی چون منصب قضا بیشتر آشکار شد.»[۵]

• مدرّس مسلّط

آیت‌الله امینیان به تدریس علاقه وافری داشت و همزمان با تحصیل و کسب دانش، به تدریس سطوح مختلف پرداخت و از مدرسین زبده حوزه علمیه قم به‌شمار می‌رفت.

همچنین، وی به‌همراه تنی چند از اساتید نامدار حوزه قم؛ آیات: حاج شیخ حسن تهرانی، شیخ مرتضی بنی‌فضل، شیخ محمدتقی ستوده و شیخ علی‌پناه اشتهاردی و شیخ غلامرضا صلواتی از سوی حضرت آیت‌الله گلپایگانی رحمه‌الله به‌عنوان ممتحنین حوزه قم انتخاب شدند.

ایشان شاگردان فراوانی را تربیت نمودند که اغلب آنان در پست‌های حساس کشور و نیز در سمت‌های قضایی، علمی، فرهنگی و اجرایی مشغول خدمت به اسلام و نظام مقدس اسلامی هستند.

• مهاجرت به گیلان

در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله امینیان، با دعوت مردم رشت جهت تبلیغ ماه مبارک رمضان وارد این شهر شد. خود وی در این‌باره می‌نویسد:

«پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تعطیل شدن (موقتی) حوزه علمیه قم، شهر رشت را برای فعالیت مذهبی انتخاب کردم و در مسجد گلشن که از مساجد معروف و مشهور شهر است، مشغول انجام وظیفه شدم. برنامه‌ام در ماه مبارک رمضان مورد قبول و رضایت مردم قرار گرفت و به‌همین سبب، از من تقاضای اقامت کردند و پس از مذاکراتی، برخی از اعیان این مسجد به قم نزد مراجع وقت رفتند. هریک از مراجع تقلید برای اقامتم در شهر رشت چیزی مرقوم فرمودند؛ از جمله حضرت امام رحمه‌الله مرقوم داشتند: چون برنامه‌های شما مورد قبول مردم قرار گرفته، لازم است مدتی در همان‌جا بمانید. بنده پس از رسیدن این نامه‌ها و حکم‌ها، برخود فرض دانستم که مدتی در رشت اقامت کنم.»[۶]

• امام جمعه موقت رشت

آیت‌الله امینیان رحمة‌الله‌علیه در سال ۱۳۵۸ش به‌عنوان امام جمعه موقت شهرستان رشت انتخاب شد. وی در این سنگر عبادی - سیاسی، به مقابله با ضد انقلاب و منافقین و سلطنت‌طلبان کشور که در آن زمان استان‌های شمالی، به‌ویژه گیلان را غُرق کرده و آن را به‌صورت پایگاه خود درآورده بودند، پرداخت. منافقان و معاندان نظام اسلامی، هر روز با تظاهرات خیابانی، تشکیل اعتصابات صنفی، درگیری و زد و خورد با نیروهای متعهد و انقلابی، اقدام به تشنج‌آفرینی کرده، تبلیغات گسترده‌ای را علیه نظام مقدس و نوپای جمهوری اسلامی ایران به راه انداخته بودند.»[۷]

• حادثه شنیدنی

ضد انقلاب‌ها مترصد فرصتی بودند تا اظهار وجود کنند. در گوشه و کنار، گاه و بی‌گاه دست به تظاهرات می‌زدند. آنها رهبری به‌نام «حسن شل» داشتند که بسیار خطرناک بود و همه از او حساب می‌بردند و از او وحشت داشتند. بارها در درگیری با حزب‌الله جان سالم به در برده بود؛ اما بحمدالله در یک درگیری سخت به هلاکت رسید. چریک‌های فدایی خلق این حادثه را بهانه قرار دادند و به تمام هواداران خود در گیلان و مازندران خبر دادند که در مراسم تشییع این معدوم شرکت کنند تا بدین صورت تظاهرات عظیمی به راه بیندازند و البته در این کار موفق هم شدند. روز جمعه و هوا هم سرد و بارانی بود. ما در سالن‌های بزرگ دانشگاه علوم پایه می‌خواستیم نماز بخوانیم. ظهر نزدیک بود که به من خبر دادند، جمعیت بسیار زیادی نعش حسن شل را به طرف قبرستان رشت می‌برند. من دیدم در اینجا باید یک عمل انقلابی انجام داد. فوراً اعلام کردم: نمازجمعه تعطیل (است)، باید راهپیمایی کنیم. مقدسین و (برخی) پیرمردها گفتند: الآن ظهر است. اول نماز بخوانیم، بعد حرکت کنید. گفتم: خیر. این کار مهمتر است. فوراً حرکت کردم. مردم هم بسیار خوب همراهی کردند. با اینکه این راهپیمایی به‌سبب کهولت سن برایم بسیار مشکل بود؛ اما تحمل این مشکلات در راه اسلام و انقلاب برای من بسیار شیرین و لذت‌بخش بود. به یک کیلومتری قبرستان رسیدیم. رئیس شهربانی وقت آمد و گفت: آقا! کجا می‌روید؟ خطرناک است. شاید بالغ بر چهارهزار نفر از چریک‌های مسلح در جای جای قبرستان سنگر گرفته‌اند. اگر پیش بروید، دریای خون راه می‌افتد. این حرف‌ها خون اسلامی‌ام را به جوش آورد. یکباره فریاد زدم «الاسلام یعلو ولا یعلی علیه». الله اکبر! الله اکبر! صدای تکبیر مردم بلند شد. با شتاب بیشتر به پیش حرکت کردیم. چون به قبرستان رسیدیم، گویی بلورهای برف بودند که بر اثر تابش آفتاب آب شدند. تمام چریک‌ها و ضد انقلاب‌ها از گوشه و کنار وادی فرار کردند و در سوراخ‌های موش برای خود پناه گرفتند. جوانان انقلابی و ملت حزب‌الله پیروزمندانه وارد وادی (قبرستان) شدند. بنده با کمال آرامش سخنرانی کردم و نمونه‌هایی از عظمت و علوّ اسلام و مسلمین را برای مردم بازگو کردم.»[۸]

«البته در این اقدامات انقلابی، همه طبقات مردم، به‌ویژه بانوان نقش ممتازی داشتند.»[۹]

• ترور نافرجام

ضد انقلاب که از اقدامات آیت‌الله امینیان، سخت خشمگین و عصبانی بود و کینه این شاگرد مکتب امام صادق علیه‌السلام را به دل داشت، مرتب وی را تهدید به کشتن، آتش زدن منزل و... می‌کردند تا اینکه روزی وی را در خیابان بیستون، در حالی که پیاده جهت اقامه نماز به طرف مسجد گلشن می‌رفت، به‌شدت مضروب و مجروح کردند؛ البته با دخالت مردم قضیه پایان یافت.[۱۰]

• حضور در نهضت مقدس اسلامی

ایشان در طول سال‌های نهضت مقدس امام راحل رحمه‌الله از ایشان حمایت می‌کرد و از آنجایی که شاگرد امام بود، به ایشان علاقه عجیبی داشت و پیوسته به‌عنوان یک شاگرد همراه ایشان بود. خود وی در این‌باره می نویسد: «در تمامی اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌هایی که در شهر قم و در سطح استان گیلان[۱۱] برای حمایت از حضرت امام رحمه‌الله و مبارزات ایشان بر ضد رژیم پهلوی صادر می‌شد، از پیشگامان بودم؛ به‌خصوص در سال‌های ۵۶ و ۵۷ در به صحنه آوردن مردم روستای فتیده و گرم کردن تظاهرات مردمی در لنگرود، فعالیت زیادی داشتم و غالباً پایان این تظاهرات و اعلام مواضع انقلابی با سخنرانی من بود.»[۱۲]

وی در جای دیگر می‌گوید: «اگرچه من از انقلابیون مفرط نبودم؛ اما پیوسته با انقلابیون همراه بودم و در نشر نظرات امام و اعلامیه‌های ایشان و علمای دیگر علیه طاغوت و حمایت از امام کوتاهی نمی‌کردم. یادم می‌آید، در یک سخنرانی که نام امام خمینی رحمه‌الله برده شد و مردم یک بار صلوات ختم کردند، فریاد زدم و گفتم: ای مردم! چرا یک بار صلوات می‌فرستید؟! شعار مردم قم و تهران سه بار است. مردم دیار ما نیز از آن روز به بعد، پس از شنیدن نام امام، سه بار صلوات می‌فرستادند. برخی از آشنایان به من می‌گفتند: این بدعت را شما در این منطقه گذاشتید. در پاسخ گفتم: بسیار خوب، بدعت حسنه‌ای است. بسیاری از مردم و بعضی از روحانیون به من گفتند: شما تند می‌روید. برای شما خطرناک است. در پاسخ می‌گفتم: اشکالی ندارد؛ چون امام تقیّه را حرام فرموده است.»[۱۳]

آری، انقلابی مفرط نبود؛ اما عملاً ثابت کرد که حامی امام رحمه‌الله و یکی از طرفداران انقلاب می‌باشد و تنها فرزند طلبه خود را نیز نثار امام و انقلاب کرد.

• مسئولیت‌ها پس از انقلاب

آیت‌الله امینیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسئولیتهای علمی و فرهنگی زیادی بر عهده داشت و خدمات فراوانی را در راستای پیشبرد اهداف مقدس اسلامی انجام داد که مهم ترین آنها عبارتند از :

۱. ریاست دادگاه انقلاب اسلامی رشت: وی در این‌باره می‌نویسد: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با حکم حضرت امام رحمه‌الله مسئولیت دادگاه انقلاب گیلان به اینجانب واگذار شد؛ اما به این دلیل که خود را برای تصدّی این منصب خطیر و پرمسئولیت قابل نمی‌دانستم و میل باطنی نیز به این امور نداشتم، پس از دوره کوتاهی از مسئولیت کناره گرفتم و این مسئولیت به عهده دیگران نهاده شد.»[۱۴]

۲. نمایندگی ولیّ‌فقیه در دانشگاه‌های گیلان: ایشان در این‌باره می‌نویسد: «این مسئولیت را از زمان حیات حضرت امام پذیرفتم و بیش از ۱۴ سال عهده‌دار این مسئولیت بودم و هیچ حق و حقوقی از کسی، نه از امام و نه از دانشگاه، دریافت نمی‌کردم و تمام هدفم سوق دادن دانشگاه به سوی اسلامی بودن و اسلامی شدن بود.»[۱۵]

۳. نماینده مجلس خبرگان رهبری: آیت‌الله امینیان در سه دوره متوالی نمایندگی مجلس خبرگان رهبری از استان گیلان را عهده‌دار بود و همواره با آرای مردم شریف و ولایت‌مدار استان گیلان، به‌عنوان نماینده برتر انتخاب می‌گردید و در جلسه خبرگان رهبری و انتخاب مقام معظم رهبری حضور داشت. وی درباره چگونگی واقعه رحلت حضرت امام و انتخاب مقام معظم رهبری در مجلس خبرگان می‌نویسد:

«پس از رحلت امام و پیش از اطلاع یافتن ما از این واقعه، تلفنی به ما خبر دادند که فردا جلسه اضطراری مجلس خبرگان در تهران تشکیل می‌شود. از شنیدن این خبر اضطراب‌انگیز بسیار نگران و ناراحت شدیم. آخر شب حرکت کردیم و ساعت هشت صبح در مجلس حاضر بودیم؛ اما در ساعت هفت صبح که در نزدیکی قزوین بودیم، یکباره مجری رادیو گفت: «انّا لله وانّا الیه راجعون». از شنیدن کلمه استرجاع دنیا در جلوی چشم ما تاریک شد و طوفان غم و اندوه بر سر ما فرو ریخت. هرچند نفری که در ماشین نشسته بودیم تا تهران لاینقطع اشک ریختیم. در مجلس خبرگان دو عمل بسیار مهم انجام گرفت: یکی انتخاب رهبری و دیگر، قرائت وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام. بالأخره نمایندگان مجلس خبرگان حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای را به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی و جانشین حضرت امام راحل رحمه‌الله انتخاب کرد و این انتخاب، غربی‌ها را ناامید ساخت. حادثه دیگر، قرائت وصیت‌نامه سیاسی-الهی حضرت امام بود. همه چشم و گوش باز کرده بودند تا ببینند، امام چه نوشته است و چه وصیتی به ملت خود کرده است. تصمیم گرفته شد که رهبر عزیز و جدید انقلاب وصیت‌نامه را قرائت کنند. کرامت آن روز رهبر فرزانه انقلاب این بود که پشت تریبون مجلس قرار گرفت و شروع به قرائت وصیت‌نامه کرد و تمام آن را از اول تا آخر با طلاقت لسان و صراحت بیان و بدون لکنت زبان قرائت کردند که مایه اعجاب تمام خبرگان شد.»[۱۶]

۴. امام جمعه آستانه اشرفیه: آیت‌الله امینیان در ۱۰ شهریور سال ۱۳۶۱ش از طرف دفتر حضرت امام، به‌عنوان امام جمعه شهرستان مذهبی آستانه اشرفیه منصوب شد[۱۷] و تا پایان عمر شریف خود در حدود ۳۳ سال در این سمت مشغول ارشاد و هدایت مردم و منشأ آثار و برکات علمی، فرهنگی و اجتماعی شد. او در این مدت به‌عنوان امام جماعت مسجد جامع آستانه اشرفیه و مدیر حوزه علمیه آن شهرستان مشغول انجام وظیفه بود و به تدریس سطح تا کفایةالاصول اشتغال داشت.

ایشان تا آخر عمر شریف خود مشغول تدریس طلاب عمومی دینی و نیز دانشگاه‌های گیلان در فقه، فلسفه، منطق و اخلاق اسلامی بود.[۱۸]

• خدمات و باقیات الصالحات

آیت‌الله امینیان در زمان تصدی امامت جمعه در آستانه اشرفیه، آثار ارزشمندی از خویش بر جای گذاشت که فهرست برخی از آنها چنین است:

۱. احیای حوزه علمیه: آی‌ت‌الله امینیان رحمه‌الله از طریق تریبون نمازجمعه و نیز صدا و سیمای استان گیلان، آمادگی حوزه علمیه را در پذیرش و ثبت‌نام جوانان علاقه‌مند اعلام داشت که مورد استقبال شدید قرار گرفت و با ثبت‌نام یکصد و هشتاد طلبه، رونق ویژه‌ای گرفت؛ البته بعدها این مدرسه توسط آیت‌الله امینیان به‌طور اساسی تعمیر و توسعه یافت و دارای امکانات رفاهی و دارای کتابخانه گردید.[۱۹]

۲. احداث مدرسه علمیه جلالیه شماره ۲، واقع در فلکه کیاشهر آستانه اشرفیه که دارای حجرات متعدد و مجهز به امکانات رفاهی و کتابخانه است.

۳. احداث حوزه علمیه جلالیه، ویژه خواهران که با همکاری مرکز حوزه علمیه خواهران قم فعال است.

۴. احداث مسجد جامع فتیده لنگرود: این مسجد بسیار عالی و جالب ساخته شده و مورد توجه هر بیننده‌ای است و از نظر زیبایی در میان مساجد روستاها نمونه است.[۲۰]

۵. احداث مسجد اهل البیت علیهم‌السلام (واقع در بلوار دکتر معین آستانه اشرفیه).

۶. احداث ۵۲ واحد مسکونی برای زلزله‌زدگان شمال کشور که خانه‌های‌شان در واقعه زلزله ۲۹ خرداد ۱۳۶۹ش ویران شده بود.[۲۱]

۷. احداث دانشگاه آزاد اسلامی در آستانه اشرفیه، با کمک و همکاری جمعی از فرهنگیان و اساتید دانشگاه.[۲۲]

۸. مرمّت و بازسازی وادی اشرف (قبرستان عمومی) و بنای ساختمان باشکوه فرهنگی در جوار مرقد شهدا جهت عموم مردم.[۲۳]

۹. مرمّت و احداث ده‌ها مسجد، حسینیه و مدرسه در سطح شهرستان آستانه اشرفیه.

۱۰. تدریس اخلاق، تفسیر، نهج‌البلاغه و پاسخ به شبهات و... از هنگام شروع به تبلیغ تا پایان عمر با برکتش. گفتنی است، برخی برنامه‌های فرهنگی و تدریس‌ها از رادیو (صدای گیلان) پخش می‌شد.

• تألیفات و آثار علمی

آیت‌الله امینیان تألیفات سودمندی داشتند؛ گرچه به‌گفته خود ایشان، بر اثر اشتغال فراوان به تدریس، از امر تألیف عقب ماندند و همچنین تمام آثار و دست‌نوشته‌های ایشان در آتش‌سوزی منزلش در رشت سوخت و از بین رفت. با این حال، آثار ارزشمندی از وی به یادگار مانده است که قبل از معرفی این آثار، ماجرای آتش‌سوزی منزل ایشان به قلم خودشان، بدین شرح است:

ادامه در صفحه ۵